جستارنامه فرهنگ و هنر اسلامی
Journal of Islamic Art and Culture
دوره اول، شماره چهارم، پائیز ۱۴۰۱

بررسی هنر تصویرسازی در دوره های مختلف قاجار

مهرنوش ساکنیان دهکردی، نوید خالصی
گروه ارتباط تصویری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

چکیده

در این مقاله به بررسی هنر تصویرسازی و نقاشی دوره اول و دوم قاجار پرداخته شده است و مسایل مختلف بر جریان سازی تصویرسازی و نقاشی این دوران مقایسه شده است. آثار تصویری و نگاره های بر جای مانده از این سرزمین تجلّی گاه باورها، اندیشه ها و آرمان های مردم است که تحت شرایط گوناگون، متحوّل شده و شیوه های گوناگون تصویرسازی به وجود آمده است. با توجه به این که در دوره ی قاجار، شیوه های مختلف تصویرسازی وجود داشته، در این مقاله شیوه های مختلف تصویرسازی در این دو دوره بررسی شده. بررسی های انجام شده بیان می کند که هنر تصویـرگری این دوران بر شانه های نقاشی سنتی است. آشنایی ایرانیان با اندیشه ها، نقاشی های غربی و ابزارشان، به تصویرگری قاجاریه تجربه ای نو بخشیده است. دوره ی اول قاجار ـ فتحعلی شاه ـ دوره ی تجربه های نقاشان با شیوه ی فرنگی می باشد و هنرمندان سبکی مبتنی بر نقاشی سنتی به وجود می آورند. نقاشی و تصویرسازی در دوره دوم ـ ناصرالدین شاه به بعد ـ رنگ و بوی اروپایی غالب می شود. آشنایی ایرانیان با چاپ سنگی، عکاسی و ... باعث تحوّل تصویر گری می شود و به تدریج نقاشی قاجار به توده های اجتماعی تسرّی می یابد.

واژه های کلیدی: تصویرسازی، قاجار، هنر

۱.مقدمه

در دوران قاجار ایرانیان با افکار و اندیشه ها و مظاهر دنیای غرب آشنا می شوند. گرچه روابط تجاری شاه عباس اول (سده ی ۱۱ هـ . ق)، طلایه ی ارتباط ایران با کشورهای اروپایی و دیگر کشورهاست، اما ارتباط همه جانبه ی با این کشورها بیش تر در دوران قاجار اتفاق می افتد. روابطی که نه تنها اوضاع سیاسی و اجتماعی این کشور را تحت تأثیر خود قرار می دهد بلکه هنر را نیز متأثر می کند. هنرمند از طرفی تعلق خاطر خود را به هنر ایرانی و عناصر سنتی نشان می دهد و از طرفی دیگر اشتیاق خود را به نوگرایی، تجدد و فرهنگ و اندیشه ی اروپایی بروز می دهد. بنابراین بدیهی است که مایه های تصویرسازی دوره ی قاجار را باید در دوره های پیشین یافت و با توجه به رویدادهای فرهنگی و سیاسی که از دوره ی صفویه به بعد در ایران به وجود می‌آید، تأثیرات نقاشی کشورهای اروپایی در نقاشی های ایرانی به ویژه در دوره ی قاجار نمایان می شود. موضوع در تصویرسازی قاجار ، ضمن این که به تنوع ویژه ای دست می یابد، از عناوینی هم بهره مند می شود که در دوره های دیگر تاریخی هنر ایران کـم تر به آن پرداخـته شده است. تصویرسازی این دوره به نگرش اجتماعی دسـت می یابد که پیش از این کـم‌تر می‌توان سراغ گرفت. آثار تصویری این دوران نیز با شیوه هایی شکل می گیرد که هنرمند تجربه ی تاریخی عمیقی نسبت به آن نداشته، ولی در بسیاری موارد با توجه به مشکلات بخوبی عمل کرده و نتایج خوبی را به جای گذاشته است. نقش ویژه ی هنر در این دوران از اهمیت خاصی برخوردار است به طوری که می توان ادعا کرد، اتفاقاتی که در زمینه ی تصویری و دیگر مظاهر هنری اتفاق می افتاده تا آن زمان بی سابقه بوده و به نوعی در تسریع شکل گیری مفاهیم مدرن ، نقش اجتماعی مهمی ایفا نموده است.

ویژگی‌های هنر دوره ی نخست قاجاریه، ناشی از دو مؤلفه اصلی است : اول ، تداوم و پیوستگی شیوه های گذشته و دوم، تأثیر پذیری از شیوه های اروپایی . فصل مشترک و تلفیق این دو ویژگی آثاری دو رگه و با ماهیت و رویکرد التقاطی و ویژگی های خاص را به وجود آورد .(علیزاده ، ۱۳۹۱ ، ۷۶)

تاریخ نویسان هنر و بیش تر نقادان هنری معمولاً نقاشی و تصویرگری در دوران قاجار را به دو دوره تقسیم کرده‌اند : دوره اول و دوره ی دوم.

دوره نخست قاجار : از آغاز دوره ی قاجار ، فتحعلی شاه تا زمان سلطنت ناصرالدین شاه می باشد. دوره ی نخست تصویرسازی یعنی در دوران پنجاه ساله ی سلطنت فتحعلی شاه قاجار ، فرصت مناسبی بود تا نقاشان مشهور دربار او و از مشهورترین شان "مهر علی" و" میرزا بابا" و" محمد حسین "و "عبدالله" و دیگران به اصلاح شیوه ی رایج و بلافاصله ما قبل خود ، یعنی مکتب زندیه بپردازند و سبکی متوازن و پیراسته در طرح و رنگ به وجود آورند که به عنوان آخرین دستاورد هنرمندان پایبند به ارزش سنتی در ایران ، در کنار نوع آوری ، فصل نوین را در تاریخ نقاشی ایرانی به خود اختصاص دهد. (شفیع زاده و رجبی ، ۱۳۸۷، ۶۰) یکی از با اهمیت ترین دوره های تصویرسازی ، دوران قاجار است و با توجه به تلاقی سنت های کهنه و نو ، مکتب قاجار به وجود می آید. تداوم تأثیر نقاشی غرب در عهد قاجار مکتبی را پدید آورد که اوج شکوفایی آن را در زمان اقتدار فتحعلی شاه می توان دید . این مکتب به مکتب

قاجار شهرت یافت . در حقیقت دوران قاجار از شگفت انگیزترین دوران تاریخی ایران و محل برخورد آخرین عناصر کهنه و نو ، وقوع انقلاب های سیاسی و اجتماعی و آغاز تحولات جدی فرهنگی و هنری است. (جلالی جعفری ، ۱۳۸۲ ، ۲۶) مهم ترین ویژگی تصویرسازی این دوره ، این بود که مانند تمام مظاهر اجتماعی و فرهنگی این زمان، نه کاملاً ایرانی و نه کاملاً اروپایی بلکه پدیده ای دو رگه بود . این نکته را نباید از نظر دور داشت که آموزش نقاشی به شیوه ای آکادمیک در ایران سابقه نداشت و اغلب هنرمندان، طبیعت گرایی را به شیوه ای خودآموخته و مکتب خانه ای آموختند. بنابراین تلفیق این دو نظام را باید تا حدی ناخواسته و نتیجه ی نفوذ سنت کهن و عدم آشنایی کافی با اصول آکادمیک هنر اروپایی دانست. (حسینی مطلق ، ۱۳۸۸، ۵۵)

نتیجه این التقاط منجر به ظهور هنری شد که صرف نظر از مقایسه ی آن با هنر اروپایی ، ویژگی های ممتاز و یگانه ای دارد.(همان ، ۵۶)

ادامه تأثرهای تصویرسازی مغرب زمین در دوره های افشاریه ، زندیه و قاجاریه موجب ظهور سبکی در تصویرسازی ایران گردید که در دوران حاکمیت خاندان قاجار به ویژه در زمان فتحعلی شاه به اوج شکفتگی رسید و به مکتب قاجاریه شهرت یافت . (چیت سازان و رجبی ، ۱۳۹۱ ، ۸۰)

در دوره فتحعلی شاه ، سبکی در هنر تصویرسازی این دوره رونق می گیرد . هر چند این شیوه تا مدتی تداوم می یابد ، در برابر تجدد و غرب گرایی دوره ی ناصرالدین شاه ، تحت الشّعاع آن قرار گرفته و از تداوم می افتد. شروع سلطنت فتحعلی شاه قاجار مصادف با شکل گیری سبکی در هنر نقاشی ایرانی است که آن را سبک نخست یا دوره ی اول تصویرسازی قاجار می نامیم. جریانی که تا پایان سلطنت محمد شاه قاجار تداوم یافت و اگرچه تأثیرات آن ، هم چنان بر تصویرسازی دوره های بعد به جا ماند و به گونه های دیگری چون آثار چاپ سنگی ، نقاشی قهوه خانه ای، نقاشی روی کاشی، نقاشی پشت شیشه و صورت های دیگر ادامه پیدا کرد و حتی تأثیراتی نیز بر نقاشی نوگرای معاصر گذارد، اما به صورت یک شیوه و سبک منسجم ادامه نیافت و در مقابل موجب غرب گرایی عصر ناصرالدین شاهی و حاکمان پس از او کم رنگ شد و به واقع با ظهور افرادی چون مزین الدوله و نسل شاگردان او ، به کلی کنار زده شد و در نقاشی رسمی یا تحت حمایت دربار ، جایگاه خود را فرو گذارد. (علیمحمدی اردکانی ، ۱۳۹۲ ، ۵۵)

تصویرسازی این دوره را باید (درباری) نامید. بدیهی است که خریدار هنر، دربار است و خطّ مشی هنر را دربار تعیین می کند و تصویرساز نیز با توجه به خواست دربار کار می کند. بدین جهت است که تصویرسازی این دوره، بیش تر از شاه و شاهزادگان و درباریان می باشد. تصویرسازی کلاسیک دوره ی قاجار درباری است. شاید این نخستین نکته ای باشد که در این تصویرسازی جلب توجه می کند. بازار هنری به معنای اخیر وجود ندارد. تنها خریدار هنر نقاشی، دربار و اشراف دولتی بودند که از هنرمندان، نگهداری کرده وسیله ی کارشان را فراهم و زندگی شان را تأمین می کردند و در عوض نقاش هم برای آنان کار می کرد. در چنین شرایطی نقاش با زندگی روزمره ی مردم عادی تماس چندانی ندارد. همین شرایط کما بیش موضوع تصویرسازی را معین می کند. تصویرساز باید چیزهایی را بکشد که خوشایند دربار است. به همین سبب موضوع تابلوها، تک چهره ی شاه و شاهزادگان و بندگان دولتی است، رقاص و نوازنده که مایه ی سرگرمی درباریان بودند و در یک کلمه مجالس بزم از موضوع های دیگر تابلوهاست. ساختمان های

اعیانی ، قصرها، توجه نقاش را برمی انگیزد، یا مثلاً صحنه های شکار، بازی چوگان و ... یا پرندگان تجملی مثل طوطی، گل، جام، شراب، میوه که در زندگی این خریداران هنر وجود داشت در تصویرسازی ها هم جایی دارد. تار، دایره، ظروف مرصّع و منقوش، کاسه و تنگ، گلدان و گاه و بی گاه صحنه هایی از تاریخ یا قصه های مذهبی هم نقاشی شده است. (مسکوب ، ۱۳۷۸ ، ۴۰۸ و ۴۰۹)

یکی از ویژگی های تصویرسازی این دوره این است که با دوره ی بازگشت ادبی رو به رو ست و طبعاً از آن متأثر است و بنابر گفته ی یحیی آرین پور "عصر سعدی ها و خاقانی ها، یک بار دیگر در شعر دربار فتحعلی شاه و جانشینان او احیا شد با این فرق که استادان قدیم، خود، هنر خویش را احساس می کردند ولی سخنوران دوره ی بازگشت، بی آن که چنین احساسی از هنر خویش داشته باشند، اشعار ادوار گذشته را شبیه سازی و به اصطلاح خود"تتبع" یا "اقتفاء"می کردند. (آرین پور ، ۱۳۵۱ ، ۱۶)

البته باید اذعان داشت که شعرای توانمندی هم در این دوره ظهور می کنند. مضامینی که در شعر شاعران این دوره وجود دارد بیش تر؛ توصیفات، مدح، اندرز، داستان های حماسی و ملی و تاریخی و عاشقانه است. به هر حال این تحول ادبی نیز بر تصویرسازان این دوره تأثیر می گذارد.

نقاشی و تصویرسازی نیمه ی نخست قاجار با مؤلفه های مکتب بازگشت ادبی هم خوانی درخور توجهی دارد و در نقاشی این عصر (خاصه پیکرنگاری) نیز تلاش می شود تا اصول و معیارهای سنتی تصویری ایرانی دوباره احیا شود. اگر چه شاهد تأثیرات نقاشی غرب در نقاشی این دوره هستم، اما به واقع آن چه در این آثار غلبه دارد، ایرانی بودن عناصر سنتی نقاشی ایرانی است. به بیان درست تر، هم چنان که داوید در هنر نئوکلاسی سیسم، هنر قبل از مسیحیت رومی وار را دستمایه ی خلق آثار خود قرار می دهد و انگر نیز به تأسی از داوید، آثار کلاسیک یونانی را مورد اقتباس قرار داده است، در تصویرسازی نیمه ی نخست قاجار نیز هنر قبل از اسلام ایران تأثیری شگرف داشته است، چنان که به وضوح می توان عناصر زیباشناسانه ی هنر هخامنشی و ساسانی را در پیکرنگاری این عصر شاهد بود. این مهم زمانی اهمیت بیش تر می یابد که می بینیم باستان گرایی، جزو مؤلفه های بنیادین نقاشی و هنرهای تجسمی این عصر می شود و مجدداً قاجاریه احیاگر نقش برجسته سازی و تأسی جستن از رفتارهای امپراتوران قبل از اسلام ایران می گردند. (علیمحمدی اردکانی ، ۱۳۹۲ ، ۹۸)

دوره دوم نقاشی و تصویرسازی قاجار، مقارن با سلطنت ناصرالدین شاه و پس از آن می باشد. در نیمه ی دوم قرن نوزدهم روابط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری ایران و اروپا پیوسته بیش تر و گسترده تر می شود و از طرفی تحولات داخلی و سیاست های دولت های استعماری مغرب زمین، بالاخص انگلیس و روس، آینده و سرنوشت این سرزمین را تحت تأثیر خود قرار داده و رقم می زند. هم چنین توسعه ی چاپ و روزنامه نویسی، تأسیس مدرسه ی دارالفنون، ترجمه ی آثار کلاسیک اروپایی، تحول در ادبیات فارسی و پیدایش عکاسی ـ به ویژه اثر این صنعت در هنر تصویرسازی ـ از جمله عواملی است که سبب دگرگونی های عمیق اجتماعی و بزرگی می شود که نهایتاً منجر به انقلاب مشروطه می گردد. بدیهی است در طی این پروسه ، آثار آن نیز در زمینه های مختلف ـ به ویژه تصویرسازی ـ نمود می کند .

تعامل میان واقعیت و خیال که ریشه در فرهنگ و هنر ایرانی داشت، در اواخر حکومت محمدشاه و بر اثر تأثیرپذیری از فرهنگ غرب که رفته رفته در همه ی جوانب و امور کشور رخنه کرد، کم رنگ شد و تصویرسازی ایرانی نیز همانند دیگر هنرها جایگاه اثرگذار خود را فرو نهاد و در موضع اثرپذیری قرار گرفت. رجال سیاسی اواخر حکومت محمدشاه و خاصه عصر ناصرالدین شاه، متأثر از آن چه در غرب رخ داد، راه نجات کشور را در گرایش هر چه بیش تر به فرهنگ غرب دیدند و البته این رویداد تأثیری عمیق بر هنر این دوره داشت. (علیمحمدی اردکانی ، ۱۳۹۲ ، ۲۷۴)

بنابریان، از این دوره به بعد سرآغاز شکل گیری هنر نیمه ی دوم قاجار است که مسیر تکامل آن با ظهور هنرمندانی چون مزین الدوله، محمودخان ملک الشعرا، ابوتراب غفاری، کمال الملک و شاگردان او به سرانجام می رسد و در روند هنر نقاشی معاصر ایران تأثیر می گذارد. اگر چه دستآوردهای نقاشی نیمه ی نخست قاجار نیز در آثار نقاشان خیالی نگار (قهوه خانه ای) و نقاشی روی کاشی ها و بخشی از چاپ سنگی های این دوره تداوم می یابد. اما رفته رفته در سایه ی هنر رسمی کشور که همان گرایش به طبیعت گرایی غربی است، رنگ می بازد. (همان ،۲۷۸)

تحول اجتماعی ایران در این دوره، هنر دوستی شاه و به تَبَع آن، درباریان و اشراف، به طور کلی شرایطی مهیا می نماید که باعث می شود نقاشی و دیگر مظاهر هنری رونق پیدا کند. در چنین شرایطی نقاشی و تصویرسازی رسمی و کلاسیک نیازهای فرهنگی و هنری زمانه را برآورده نمی کرد. روز به روز محدودیت هنر درباری آشکارتر و محسوس تر می شد. از طرفی دیگر اجتماع ایران هنوز چنان تحولی پیدا نکرده بود که هنر، مستقیماً مخاطبان و خریداران خود را پیدا کند. هنوز به طور عمده هم چنان دربار و محافل اشرافی خواستار هنر و پشتیبانی هنرندان هستند. این است که در ضمن تحول، هنر تصویری روی هم رفته مثل گذشته وابسته به دربار باقی می ماند منتها کمابیش هم توجهی به زندگی اجتماعی در آن راه می یابد و هم جست و جوی شیوه ی بیان رساتری آغاز می شود. تحول اجتماع ایران در رابطه با غرب، آرامش نسبی اما طولانی و هنر دوستی شاه و به تقلید از او تظاهر درباریان و اشراف به هنردوستی، مجموعه ی این عوامل سبب شد که هنر و صنایع ظریف رونق پیدا کند. نقاشی ، معماری، حجاری، تذهیب، خوش نویسی، کاشی کاری، گچ بری، خاتم سازی، زرگری و میناکاری جانی تازه گرفت. (مسکوب ، ۱۳۷۸ ، ۴۱۲)

دوره دوم تصویرسازی، در کارِ یافتن تعادلی میان هنر اروپایی عینی ساز پیشرفته و در حال گسترش از یک سو، و زمینه های فنی تصویرسازی ذهنی گرا و سنتی پنجاه سال گذشته ی خود، از سویی دیگر بود که در این راستا توفیق اندکی داشت و به ویژه با آغاز انقلاب مشروطیت و پیروزی آن ، به طبیعت گرایی و عینی سازی گرایید. (شفیع زاده و رجبی ، ۱۳۸۷، ۶۰)

با شکل گرفتن صنعت چاپ و نشر روزنامه ، آثار ادبی سنتی ایران چاپ می شود که این آثار همراه با چاپ تصاویری می باشد که البته بر زیبایی و تأثیر بخشی آن می افزاید. با رواج صنعت چاپ به موازات انتشار روزنامه ها شاهد چاپ و تکثیر آثار کلاسیک ادبیات ایران هستیم، که بنابر سنت دیرینه در لا به لای صفحات آن تصاویری نیز می آمد. هم چنین با رواج چاپ سنگی تحول عظیمی در زمینه ی نشر و کتابت شکل گرفت و این نسخ با الحاق تصاویر، جلوه و جذابیت بیش تری یافتند. خصوصیات و جلوه های تصویری این نسخ، اغلب ساختاری واحد را دنبال می کرد و این ساختار تصویری که ریشه هایش گاه به دوران کهن باز می گردد، در

مواقعی به مدد هنرهای عامیانه ای چون عیدی سازی و خیالی نگاری ارزش های تازه ای را ارایه می کند. یک بررسی کوتاه و اجمالی نشان می دهد که حرکت کتاب سازی و کتاب آرایی در چاپ سنگی دقیقاً مبتنی بر حرکت های قبلی کتاب سازی ایرانی است و نحوه ی استفاده از عناصر بصری و سایر اصول از همان مبانی هنری دوره های قبل ، نظیر استفاده از سطر، جدول کشی، کتابت و تصویر پیروی می کند (خان سالار ، ۱۳۸۴ ، ۱۸۱ و ۱۸۲).

هر چند که هنرمند این دوره در تصویرگری کتاب، متکی و پایبند به سنت های گذشته است، در عین حال با عنایت به نوع کاربرد آن، در ماهیت با سبک های قبل تفاوت دارد. نقاشان قاجار از سال ۱۲۶۶ هـ . ق / ۱۸۵۰ م از نظر سبک به دو دسته شدند، گروهی که هم چنان بر طبق سنت های کهن کار می کردند و گروهی که به سبک اروپایی را بر وجهه ی همت خود قرار داده بودند. این تحول تدریجی بر اثر سفرها هم به تربیت نقاشان بر پایه ی سبک اروپایی در داخل ایران انجامید و در این زمینه به خصوص تأثیر رواج تصاویری که از روی عکس کار شده بودند و نیز آثار باسمه ای و خود عکاسی چشمگیر بود، در حقیقت بعضی از نقاشی های درباری اوایل دوره ی قاجار، پیش از نیمه ی قرن نوزدهم، از الگوهای اروپایی پیروی کرده اند و لی سبک آن ها هنوز منشأ در سنت نقاشی ایران دارد. نقاشان، عمق نمایی نقاشی اروپایی را با شگرد های سنتی نگارگری ایرانی در هم آمیختند. دوره ی قاجار را باید نقطه ی اوج مراسم مذهبی عمومی شیعه به خصوص سوگواری واقعه ی کربلا برشمرد که به نوبه ی خود در هنرهای تجسمی به خصوص نقاشی انعکاس پیدا کرده است. نقاشی خاصی که در این دوره در حال شکل گرفتن بود، به نام های مختلفی از جمله نقاشی قهوه خانه ای ، نقاشی خیالی و نقاشی عامیانه خوانده شد. (شایسته فر و خمسه، ۱۳۸۸ ، ۶۳)

یکی از ویژگی‌های مهم و اساسی دوره ی قاجار، با توجه به شرایط ویژه و مناسبات گوناگون این دوره، بالاخص تأثیرپذیری از شیوه های اروپایی ـ و در عین حال ضمن توجه به سنت ها و فرهنگ ایرانی ـ پیدایش سبک ها و شیوه های مختلف تصویرسازی در این دوره است.

یکی از عوامل اصلی خلق اثر هنری، از جمله نقاشی و تصویرنگاری و تبدیل آن به شی با ارزش شیوه به کارگیری مواد، ابزار و فنون ساخت است که هنرمندان هر دوره از آن برای بیان هنری خود، متناسب با پیام و محتوا، بهره گرفته اند. (علیزاده ، ۱۳۹۱ ، ۷۴)

استمرار به کارگیری اصول و شیوه ها همراه با همان مواد موجود و مشابه قبلی و البته با قدری تفاوت در اجرای شیوه ها و فن نقاشی دوره ی قاجار به ویژه تا اواخر سلطنت فتحعلی شاه است. اما هنرمندان آن دوره ویژگی های ساختاری نقاشی ها را هماهنگ با سبک اثر از نظر موضوعیت و محتوا به صورتی تغییر داده اند که می توان آن را محصول تجدد خواهی و دوره ی میانی و شاید حلقه ی واسط بین سنت های نقاشی ایرانی و شیوه های مدرن هنر در اواخر قرن نوزدهم و سپس سراسر قرن بیستم دانست. به این ترتیب، مکتبی شکل می گیرد که از نظر اجرایی آن را نه می توان کاملاً در راستای فنون گذشته قرار داد و نه جزو مکتب های اروپایی . سبک این دوره، با توجه به ساختار و فنون به کار رفته و نیز محتوای آن، شیوه ای دو رگه، تلفیقی یا التقاطی است که در تاریخ هنر ایران جای ویژه ای دارد. (همان ، ۸۱)

۲.نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در یک جمع بندی کلی می توان گفت که دوره ی قاجار با توجه به فراز و نشیب های سیاسی داخلی و خارجی و تغییر و تحولات جهانی که هر یک تأثیر بسزایی در موقعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران داشته است؛ دوره ی پر اهمیتی برای هنر نقاشی و تصویرسازی و نگارگری محسوب می شود زیرا علاوه بر حمایت و توجه پادشاهان این دوره از هنر تصویرگری، آشنایی با سبک های اروپایی و ابزارآلات آن از جمله بوم، کاربرد رنگ و روغن به طور وسیع و تخصصی، قلم موهای جدید و ... و با عنایت به خلاقیت و نوآوری هنرمندان، دوره ای جدید از سبک اجرای هنر نقاشی و تصویرسازی در ایران رقم زده است. بدیهی است که تأثیرپذیری نقاشی این دوره از نقاشی اروپایی نه تنها از ارزش و اصالت ملی و مذهبی آن نمی کاهد، بلکه حال و هوایی دلپذیر و تجربه ای نو را بدان می بخشد که در این جا به برخی از اهم این ارزش ها که حاصل این تجربه می باشد اشاره می شود:

۱ـ هنر نقاشی و تصویرسازی دوره ی قاجار را می توان به دو دوره ی مهم زیر تقسیم کرد:

الف . دوره ی فتحعلی شاه تا زمان سلطنت ناصرالدین شاه که دوره ی تجربه های هنری نقاشان ایرانی با اسلوب فرنگی می باشد.

ب . دوره ی ناصرالدین شاه به بعد که نقاشی با توجه به سابقه ی آشنایی و به کار گیری اسلوب فرنگی، بیش از پیش رنگ و بوی اروپایی به خود می گیرد و با استفاده از امکانات چاپ و ارتقای سطح فرهنگی مردم، امکان نزدیکی با عامه ی مردم و کاربردی شدن هر چه بیش تر این هنر ایجاد می شود. می توان گفت تصویرسازی از حالت انحصاری دربار خارج شده و در بین مردم با رنگ و بوی اروپایی عمومیت پیدا می کند و پیدایش عکاسی هم منجر به تأثیر واقع نگاری در نقاشی این دوره می گردد و به تدریج نقاشی قاجار از انحصار دربار خارج می شود و به توده های اجتماعی تسّری می یابد.

۲ـ استفاده از موضوع های متنوع و مختلف در تصویرسازی.

۳ـ رواج نقاشی دیواری (کاشی نگاری ، شیشه نگاری و ...).

۴ـ متنوع شدن اندازه ی آثار به خصوص استفاده از کادرهای بزرگ.

۵ـ استفاده از تکنیک و ابزار جدید در تصویرسازی.

۶ـ تأکید بر پیکره های انسانی و ارایه ی حالات انسان .

۷ـ توجه به نمادها و سمبل های هنر ایران باستان.

۸ ـ رواج نقاشی مذهبی و ثبت وقایع دینی (سبک قهوه خانه ای).

۹ـ کاربردی شدن تصویرسازی با فضای معماری داخلی که حاصل آن ایجاد نوعی هارمونی بالای تابلوها در اوایل همین دوره متناسب با فرم طاقچه های منازل بوده است.

۱۰ ـ تلفیق و هماهنگ کردن روش های اروپایی با عناصر سنتی و فرهنگ ایرانی.

۱۱ ـ شیوه هایی در آثار هنر تصویرگری این دوره رواج می گیرد که از جهاتی با گذشته در پیوند است و از جهاتی دیگر با آن تفاوت دارد. مهم ترین این شیوه ها عبارتند از : نقاشی نقاشی رنگ و روغن (ادامه ی سنت فرنگی سازی)، نقاشی پیکرنگاری درباری، نقاشی زیر لاکی، نقاشی گل و بلبل، نقاشی پشت شیشه، نقاشی قهوه خانه ای، چاپ سنگی، عیدی سازی، عکاسی، قالی، کاشی. بنابراین با توجه به مطالبی که در این مقاله آمده است باید اذعان کرد آثاری به وجود می آید که در فرهنگ و هنر این سرزمین جایگاه خاصی را برای خود رقم می زند.

مراجع

۱. آرین پور ، یحیی ، ۱۳۵۱ ،از صبا تا نیما (جلد اول) ، شرکت سهامی کتاب های جیبی با همکاری مؤسسه ی انتشارات فرانکلین ، تهران ، چاپ دوم
۲. جلالی جعفری ، بهنام ، ۱۳۸۲ ، نقاشی قاجاریه (نقد زیبایی شناسی) ، انتشارات کاوش قلم ، تهران
۳. چیت سازیان ، امیرحسین ؛ رحیمی ، محمد ، ۱۳۹۱ ، تأثیر سیاست در هنر پیکرنگاری دوره ی قاجار ، مجله مطالعات ایرانی ، (صفحه ۶۹ تا ۹۰) ، شماره ۲۱ ، بهار
۴. حسینی مطلق ، ملیحه ، ۱۳۸۸ ، پژوهشی پیرامون رایج ترین شیوه های نقاشی در عهد قاجار ، کتاب ماه هنر ، (صفحه ۵۴ تا ۶۱) ، شماره ۱۳۸ ، اسفند
۵. خان سالار ، زهرا ، ۱۳۸۴ ، پژوهشی در تصویرسازی عامیانه و کتاب آرایی دوره ی قاجار ، مجله فرهنگ مردم ، (صفحه ۱۷۸ تا ۱۸۷) ، شماره ۱۴ و ۱۵ ، تابستان و پاییز
۶. شایسته فر ، مهناز ؛ فرزانه ، خمسه ، ۱۳۸۸ ، بررسی تطبیقی موضوعی و تکنیکی نقاشی درباری و قهوه خانه ای قاجار ، دو فصلنامه ی تخصصی هنرهای تجسمی نقش مایه ، (صفحه ۶۳ تا ۸۴) ، سال دوم ، شماره ۳ ، بهار و تابستان
۷. شفیع زاده ، پریناز ؛ رجبی ، محمدعلی ، ۱۳۸۷ ، نقاشی های درباری (رسمی) قاجار نمایش شکوه تصویر ، فصلنامه ی تحلیلی ـ پژوهشی نگره ، (صفحه ۵۹ تا ۶۹) ، شماره ۶ ، بهار
۸. علیزاده ، سیامک ، ۱۳۹۱ ، بررسی و فن شناسی تحول هنر نقاشی در دوره ی اول قاجاری ، فصلنامه ی تحلیلی ـ پژوهشی نگره ، (صفحه ۷۳ تا ۸۲) ، شماره ۲۲ ، تابستان
۹. علیمحمدی اردکانی ، جواد ، ۱۳۹۲ ، همگامی ادبیات و نقاشی قاجار ، انتشارات یساولی ، چاپ اول
۱۰. مسکوب ، شاهرخ ، ۱۳۷۸ ، درباره ی نقاشی قاجار ، ایران نامه ،(صفحه ۴۰۵ تا ۴۲۲) ، شماره ۶۷ ، تابستان

جستارنامه فرهنگ و هنر اسلامی
Journal of Islamic Art and Culture
دوره اول، شماره چهارم، پائیز ۱۴۰۱

Studying the art of illustration in different Qajar periods

Abstract
In this article, the art of illustration and painting of the first and second Qajar periods has been investigated and various issues related to the flow of illustration and painting of this period have been compared. The visual works and paintings left from this land are the manifestation of the beliefs, thoughts and ideals of the people, which have been transformed under various conditions and created in various ways of illustration. Due to the fact that in the Qajar period, there were different ways of illustration, in this article, different ways of illustration in these two periods are examined. The studies conducted state that the art of painting of this era is on the shoulders of traditional painting. Familiarity of Iranians with Western ideas, paintings and their tools has given Qajar painting a new experience. The first period of Qajar - Fath Ali Shah - is the period of painters' experiments with the Farangi style and artists create a style based on traditional painting. Painting and illustration in the second period - Naser al-Din Shah and later - the European color prevails. Familiarity of Iranians with lithography, photography, etc. causes the transformation of imagery and gradually Qajar painting spreads to the social masses.

Keywords: illustration, Qajar, art